

زردشتیان که در کازرون موقعیتی ممتاز و با حکومت آل بویه نیز روابط خوبی داشتند، برای در امان ماندن دو آتشکده «چفته» و «کلزن» ناگزیر از جنگ یا پرداخت جزیه به شیخ بودند.

کتابخانه خانقاه کازرون، از همان روزگار شیخ ابواسحاق، نسخ خطی مورد نیاز مریدان رونوشت می شد و این سنت، قرن ها در دستگاه مرشد به ادامه داشت و کاتبان و نقاشان در کتابخانه های دستگاه مرشد به کار کتابت و نسخه پردازی مشغول بودند.^{۲۵} هر خانقاه دارای یک تالار وسیع بود که «جماعت خانه» نام داشت و برای ذکر گفتن جمعی، مراسم سماع، گرد آمدن برای طعام و یا نشستن شیخ با اصحاب از آن استفاده می شد. در اطراف جماعت خانه، حجره ها و زاویه هایی وجود داشت که محل قرار گرفتن شیخ، مریدان، سالکان و خدمتکاران خانقاه بود. عواید هر خانقاه نیز از محل اوقاف و نذرهای اشراف و هدایای اطراف و نظایر این ها فراهم می آمد.^{۲۶}

حضوری جدی و پررنگ متصوفه در فاصله سده های پنجم تا هشتم در منطقه فارس و به دست داشتن اهرم تجارت و اقتصاد، آن ها را به عرصه سیاست در منطقه نیز کشاند و شیراز را به عنوان مقر ایالت فارس، «برج اولیاء» نام گذاری کرد.^{۲۷} زرکوب، شیرازنامه خود را بر اساس همین باور نگاشته است. از نگاه او تاریخ شیراز، تاریخ سلسله اولیا و مشایخ است.^{۲۸} در حقیقت درین دوره، شیراز برج اولیایی بود که حاکمان بی تاج و تخت فارس بودند و به زودی خود را از عرصه محلی به پهنة وسیع تری کشاندند که سیطره اقتدار آن ها را جهانی می کرد. این حضور جهانی اگرچه در لباس تاجران و دریانوردان و مسافران صورت گرفت، اما در اصل، آنها سفیران اسلام و تصوف و زبان پارسی بودند.

شبکه کازرونی

مرشدیان تا قبل از آمدن مغولان توانستند جایگاه خود را در تحولات منطقه تثبیت و خود را به عنوان عاملی تأثیرگذار در اجتماع و سیاست معرفی کنند. حسین بن محمد شیرازی از مریدان شیخ مرشد بود که توانست در دستگاه آل بویه وارد شود و معتمد و امین فخرالمک و وزیر گردد.^{۲۹} خواجه امین الدین کازرونی نیز از مریدان شیخ ابواسحاق بود که به وزارت اتابک مظفرالدین نکل بن زنگی رسید و از اعتبار خود برای ساخت مدرسه و خانقاهی در کنار مسجد عتیق شیراز و زاویه ای برای رفع حاجات فقرا و مسافران بهره جست.^{۳۰} همان طور که گفته شد، اهتمام به تأسیس بناهای عام المنفعه، بخش مهمی از برنامه تبلیغی و آموزشی مرشدیان برای جذب

صنوف مختلف مردم بود.

یکی از پیامدهای حمله مغول، خرابی و ناامنی مسیرهای خشکی بود که سبب شد توجه به مسیرهای آبی و تجارت دریایی بیشتر شود؛ از این رو نهاد خانقاه به عنوان حامی جدی تجارت دریایی وارد میدان شد و ابتکار عمل را به دست گرفت. از این پس نظام های سیاسی می آیند و می روند اما خانقاه پابرجاست، چون تجارت دریا پابرجاست.^{۳۱} هم آل اینجو ارادت تام و تمام به دستگاه ابواسحاقی دارد.^{۳۲} هم تیموریان ناچارند برای حل و فصل اختلافات درون خاندانی خویش درباره اداره فارس به مشورت و ادای احترام به آباء طریقت مرشدی اقدام کنند.^{۳۳} نفوذ خانقاه ابواسحاق به قدری بود که تاروکار تیموری، سکه ضرب کازرون را به صورت «ضرب شیخ مرشد» حک می کردند.

اوج فعالیت خانقاه های مرشدی در قرون هفتم تا دهم است؛ به قول کاوتس «شبکه ای کازرونی» از خلیج فارس تا هند و چین گسترده بوده است که ضمن تلاش اولیه این فرقه برای تبلیغات مذهبی و صوفیانه، تشکیلات پیچیده اقتصادی نیز داشته اند.^{۳۴} سفرنامه ابن بطوطه شاهدهی بر این مدعاست؛ او در سفر دور و درازش شیوخ و زوایای کازرونی را در کولم، ساحل مالابار، بندر زیتون، بندر جوانجو، کمبای و دهلی زیارت کرده و از آنان یاد کرده است.^{۳۵} وی در کالیکوت به زاویه شیخ شهاب الدین کازرونی وارد شده و نذوراتی را که تاجران و مسلمانان منطقه به عنوان زکات در حق شیخ مرشد می پرداختند دیده^{۳۶} و چنین گفته است:

این شیخ ابواسحاق پیش اهالی هندوستان و چین منزلت و احترام زیاد دارد. اشخاصی که در دریای چین به مسافرت می روند، هنگام بروز طوفان یا ناامنی نذرهایی به اسم شیخ می کنند و چون کشتی به سلامت به ساحل رسد، خدام زاویه به کشتی درآیند و زمام کشتی را به دست گیرند، هر کس نذری را که در دل خود کرده به خادم زاویه می پردازد.^{۳۷}

در هند سابقه حضور مرشدیه به زمان حیات شیخ ابواسحاق و فرستادن خواهرزاده خود به همراه فرمان ساخت خانقاه به منطقه آچه باز می گردد.^{۳۸} اما از قرن هفتم به بعد، این حضور پررنگ تر شده و ایرانیان زیادی را در قالب تاجر، دیوانسالار و صوفی، ذیل مفهوم

«غرباء»، در هندوستان، خصوصاً سواحل غرب و جنوب آن، می توان بازشناخت.^{۳۹} جایگاه طریقت مرشدی در هندوستان چنان بود که سلطان علاء الدین پادشاه دهلی پس از حمله به بندر کنبایه در سال ۶۹۸ ه. ق، دستور داد سنگی از یشم را که بدان دست یافته بود، منقش به آیاتی از قرآن کرده و وقف مقبره شیخ مرشد در کازرون کند.^{۴۰}

مریدان شیخ ابواسحاق کازرونی در غرب نیز تادل آناتولی پیش رفتند و در آن سرزمین، خانقاه های بسیاری ساختند که «ابواسحاق خانه» نامیده می شد و مورد توجه سلاطین آناتولی و دربار عثمانی واقع می گشت. در ارزروم زاویه مزار شخصی به نام قوزلی بابا وجود دارد که در اویش ابواسحاقی در آن به خدمت مشغول بوده اند. همچنین دستور بایزید اول در سال ۸۰۲ قمری برای احداث یک ابواسحاق خانه در بورسا و وقف آن به در اویش مرشدی، عمق نفوذ طریقت کازرونی در سرزمین عثمانی را نشان می دهد. سلطان محمد نیز در فتح نامه ای که برای ابوسعید تیموری نوشت، فتح قسطنطنیه را از «برکات شیخ مرشد» دانست.^{۴۱}

در همین قرون در فارس، به موازات دستگاه مرشدی، متصوفه دیگری مانند «دانیالیه» و «نجمیه» رشد یافتند و در خنج و لارستان پیروانی فراهم کردند و به واسطه حضور جدی در عرصه تجارت، توانستند در تحولات سیاسی و اجتماعی مناطق جنوبی ایران نقش مهمی ایفا کنند. شیخ رکن الدین دانیال، رهبر طریقت دانیالی که خود از شیخ مرشد خرقه گرفته بود،^{۴۲} توانست خانقاهی در خنج، زادگاه خود، تأسیس کند که تا سال ها بعد از وی، اولاد و احفاد او بر آن نظارت می کردند.^{۴۳} حمدالله مستوفی شیخ دانیال را مردی صاحب کرامت می داند که سفره او برای همه کس گشوده بود.^{۴۴}

شبکه ای که متصوفه در قامت بازرگانان میان شرق و غرب عالم برقرار کردند و رونق دوباره جاده های پس از دوره وحشت انگیز مغول، راه را برای سفرهای علمی و زیارتی نیز باز کرد. بسیاری از ایرانیان درین دوره به حرمین شریفین و شام و مصر سفر کردند تا از حلقه درس محدثان و روایان حدیث بهره مند شوند و با علوم اسلامی آشنا گردند. تقی الدین فاسی در کتاب گران بهای العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین از ایرانیان بسیاری نام می برد که در حرمین شریفین صاحب مسئولیتی بوده اند یا خدمتی کرده اند. جالب